

چکیده:

در این مقاله بنا به اهمیت نقش تایپو گرافی^۱ و کاربرد آن در پیوستگی، استمرار و تداوم شکل و فرم^۲ در معماری داخلی مورد بررسی قرار می گیرد.

بطوریکه با عنایت به اینکه فهم ارزشهای معماری داخلی ماکول به درک بیان مفهومی، معنا و محتوا، چگونگی ترکیب بندی و سازماندهی عناصر در فضا است، نیازمند تعامل و بررسی در باب زیبایی شناختی^۳ و هستی شناختی معماری داخلی خواهیم بود. تا با بررسی ماهیت و تبیین ویژگی های تایپو گرافی تجربه و بدعتی نو و شگرف را در فضا ایجاد کنیم. ادراک و فهم این مهم برای تجربه ای لذت بخش و در فضا بودن مشروط است به تجارب پیشین ما و زبان فرهنگ ما. تا به نوعی باعث ایجاد روابطی درست و منطقی میان شناسه ها و یا حد و مرزهای خلق شده در فضای تهی گردد، تا مصرف کننده را به تعبیر و تفسیر محدوده ای ضمنی و تلویحی^۴ راهنمون سازد.

واژگان کلیدی

تایپو گرافی، فضا، شکل، فرم، سازماندهی

* مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، m.yosefomidian@yahoo.com

مقدمه: معماری را می توان هنر و مهارتی بی حد و مرز تلقی نمود. معماری مولفه ایست که بنا به زمانه خویش و با وام گرفتن از خلاقیت معمار یا هنرمند و فرهنگ فردی و اجتماعی اش فضایی را خلق می کند که بازتاب سریانی خواهد شد، تا آسایش و آرامش را غایت فعل خود نماید. «هر آینه به معماری به عنوان مقوله ای بنگریم که معناها و اندیشه هایی که درونش نهفته اند، هم بر فضا تاثیر گذارند هم بر باز یافته ها و بر گرفته هایی مستقیم و غیر مستقیم از فضا موثرند. شناخت فضا پیش از شناخت معماری، برای مان اهمیت پیدا می کند.» (فلامکی، ۲: ۱۳۸۷)^۵

... فضا از دیدگاه ما، گستره ایست فراگیر چونی^۶ های گونه گون که، همزاد و همراه اندیشه ها و پندارها آدمیان در هر مکانی، رنگ و حالی خاص پیدا می کند و دارای توان ارزشی متفاوتی می شود. (همان)

پس فضا می تواند پذیرای مولفه هایی باشد که برخوردار از ویژگیهای چونی اند که باعث تلطیف مکان در فضا می گردند.

یکی از این مولفه ها که دارای بار چونی است، می تواند تایپوگرافی فرم^۷ باشد. این موضوع به علت ارتباط مستقیم فرم و محتوا می تواند در خوانش فضا نقش بسزایی ایفا کند. بطوری که از اهداف مهم تایپوگرافی: برقراری ارتباط موثر - ایجاد تفهیم و تفاهم نفوذ پذیری هر چه بیشتر در ارتباط با فضا دارای کارکردی کلیدی خواهد بود. تا مصرف کننده را به ارتباطی گویا با فضا و درک درستی از آن سوق دهد.

به علت عدم دسترسی به منابع مختلف در این حیطه فرضیات خود را به عنوان راهبردی درست از سر میگیریم

بطوریکه میتوان گفت علت عدم ارتباط موثر بین مدرک^۸ در فهم فضاهای داخلی فقدان عنا صری آشنا و مطابق با ارزشهای فرهنگی، عاطفی آن منطقه است. بدین سان تایپوگرافی با بهره گیری از حروف که بار فرهنگی، شهودی، احساسی هر جامعه را تا هنوز عهده دار است؛ می تواند با کشف ارزشها و کیفیات بصری و سازماندهی عناصر در فضا، بدعتی نو را در نوآوری کالبدها با بار چونی در عرصه خلق فضا و مکان میسر گرداند. تا مخاطب با حضور در فضا، با درکی درست و منطقی از معنا و محتوا و همچنین فهم آن نسبت به الگوهای زیبایی شناسانه فائق آمده و تجربه در فضا بودن را ادراک نماید.

بنابر این کاربرد تایپوگرافی در معماری داخلی با بهره گیری از حروف به نوعی با چیدمان آنها در کنار هم و با تغییر سطح به حجم و با ساختاری مناسب زمینه را برای تجربه ای نو و استقرار اشیا و روابط فضایی سیال فراهم می نماید.

در این فرآیند شرایط ایجاب می کند، مخاطب را در ادراک ظاهر و درون - فرم و محتوا - ظرف و مظهر و بودن در فضا مستحیل^۹ و رهنمون سازد.

نگرشی نو به تایپوگرافی

ترکیب حروف و چیدمان آنها «تایپوگرافی» قابلیت تغییر و پتانسیل تبدیل شدن به عناصر کاربردی را دارا می‌باشند. بطوریکه این شروع فرآیندی است که بر اساس «بیان بصری» در «محیطی عملکردی» شکل می‌گیرد.

بیان جامع و روشن برای تعریف تایپوگرافی بدین شرح است: تایپوگرافی برای به خدمت درآوردن هنر چیدمان حروف و رسیدن به یک فرم جذاب، زبان تصویر و بیان مفهومی جدید تولید می‌شود.

اینگونه خط تجسمی مادی یا ملموس و بساواست^{۱۰} لمس می‌شود. می‌توان آن را حس کرد و از برجستگی اش کاست یا بر آن افزود. (آیت‌اللهی، ۱۳۷۹: ۸)

در بسط این موضوع با عنوانی پر کاربرد چون «تایپ فیس» برخورد می‌کنیم، که در بطن مفهوم سوالی در ذهن شکل می‌گیرد که: تفاوت کاربرد اصطلاح «فونت» و «تایپ فیس»^{۱۱} در چیست؟ مارک سیمونسن به زیبایی آن را بدین گونه مطرح می‌کند: تجسم فیزیکی یک مجموعه از حروف، اعداد، سمبل‌ها و ... فونت است. چه در مورد حروف سریبی، چه در مورد فایل کامپیوتری. وقتی در مورد طراحی یک مجموعه صحبت می‌کنیم، آنگونه که شکل آن به نظر می‌رسد به آن تایپ فیس گفته می‌شود.

اگر چه خوشنویسی و نوشتار غنای تاریخی فرهنگی ایران قلمداد می‌شود و پایه و اساس نوشته نگاری است، ولی با ورود صنعت چاپ و نیاز به تهیه حروف سریبی، سرآغاز شروع شیوه تایپ دیزاین می‌شود. به طوریکه باعث شکل گیری حروف انواع حروف و در نهایت تایپ فیس می‌شود. قلمداد می‌کنیم و به صورت ذیل ادامه می‌دهیم. باری می‌توان گفت عدم ارتباط منطقی و موثر بین

مردک و بین طراحی حروف و نوشته های نوشتاری مرزی وجود ندارد. طراحی حروف، فونداسیون نشانه نوشتاری ست و چارچوب و اسکلت اصلی آن است. (چارنی، ۱۳۸۵: ۲۶)

در ادامه برای فهم بهتر از تایپوگرافی و ادراک درست از این مهم، یادی می‌کنیم از پیشگامان تایپوگرافی، تا از نظرات آنها حسن خطایی برای این موضوع شود. پل راند تایپوگرافی را یک موضوع ملی نمی‌داند، بلکه آن را حساسیت بخشیدن به فرم و محتوا معرفی می‌کند. و در ادامه سوزان کیسی موضوع را در تایپوگرافی اصل می‌داند نه تزئین. او علاقه مند به طراحی حروف است که در آن معنا انتقال می‌یابد. اریک اسپیکرمن تایپوگرافی را زبان مشهود، نجوا، فریاد، آواز، گفتگو، و ناله و خنده می‌داند و معتقد است که به تعداد همه بیانهها و آواها به طراحی فونت نیازمندیم. (همان)

اگر چه تایپوگرافی جامع گراست و بر اساس ساختار حروف شکل می‌گیرد و «تایپ دیزاین» زیر شاخه آن محسوب می‌شود، ولی با بررسی و تبیین ویژگیهای این مهم به این نکته برخورد می‌کنیم که تایپوگرافی بر پایه تایپ دیزاین بوجود آمده است. موضوع خوانایی و قابلیت خوانش مبحثی بسیار مهم در سنجیدن تعادل و رسیدن به ترکیبی موزون است. بطوریکه به جذابیت اثر منتهی می‌گردد. دریدا می‌نویسد: برای آنکه نوشتار نوشتار باشد، باید کماکان کنش داشته باشد و خوانا باشد. (سجودی ۱۳۸۳: ۱۹۰)

در آثار امروزی فعل‌های زیادی خلق می‌شود که بدون مفعول بی ارتباط با واقعیت و بدون معنا و محتوا ارائه می‌گردند. با عنایت و فرصت جستجو و بررسی روش ترکیب و سازماندهی حروف در چگونگی رشد و تجلی فضای زیباشناسانه، با تکیه بر ارزشهای فرهنگی، عاطفی موجبات توسعه غنای ارزشهای بصری را در فضای داخلی فراهم خواهیم آورد.

ساختار مکان و سازماندهی استقرار مفهوم مکان از ظرف (جسم) و مظهر (روح) تشکیل شده است. مکان وجود محسوس و ملموسی ندارد، اما در ذهن بیننده ای که به صورت بصری مرزهای فیزیکی را درک می کند و خرد او روح را بصورت «مظروف» در محدوده ایی درک می کند وجود دارد. (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰: ۴۳)

در صورت این مفهوم می توان شرایط را طوری چیدمان کرد که نحوه سازماندهی استقرار اشیاء در فضا مکان مناسبی خلق کند. تا با ایجاد سیالیت، جهت استمرار در پیوستگی روابط اجزاء تشکیل دهنده فضا که غایت معماری است فائق آییم.

پس بنا به مفروضات مذکور با سازماندهی تایپوگرافی در مضمون های مرتبط با کاربری فضا و با تغییر شکل به فرم زمینه را برای ایجاد بستری مناسب برای شخصیت دادن به فضا به کار می گیریم. که این مهم با استفاده از بیانهای مختلف آرایش فضایی را با وجوهات مختلف با دارا بودن بار چونی بر کیفیات بصری آن افزون می سازد.

سازماندهی و ساختار شکل گیری عناصر فضایی

سازماندهی و ساختار بندی مرکزی: این نوع سازماندهی تحت تاثیر یک نقطه مرکزی طراحی می شود. که خطوط منتهی به مرکز می باشد. و به صورت ترکیب محوری لحاظ می گردد. سازماندهی مرکزی ترکیبی است متعادل و معطوف به مرکز که از تعدادی فضاهای فرعی حول به فضای مرکزی بزرگ و غالب گرد آمده اند، تشکیل می شود. (دی . کی . چینگ ، ۱۹۹۸: ۲۰۶)

سازماندهی و ساختار بندی خطی: این نوع سازماندهی انعطاف پذیر بوده و به آسانی با شرایط مختلف تطبیق داده می شود. به طوریکه حروف به سادگی در یک جهت کنار هم قرار می گیرند تا پذیرای هر موضوعی در خود باشند. سازماندهی خطی، به خاطر ویژگی های طولی بودن معرف جهت هستند. و بر حرکت، تداوم و رشد دلالت دارند. (همان)

سازماندهی و ساختار بندی شعاعی: این نوع سازماندهی ساختاری پویا دارد. و از نظر بصری یک حرکت دورانی را حول فضای مرکزی بوجود می آورد. (همان) این ترکیب بندی متشکل از سازماندهی خطی و مرکزی است. که ویژگیهای آنها را در ارائه چیدمان نشان می دهد.

سازماندهی و ساختار بندی شبکه ای: در این ترکیب بندی ساختار حروف بر مبنای تقاطع خطوط عمودی و افقی صورت می گیرد. بطوریکه چیدمان حروف بصورت مدوله شکل می گیرد. قدرت سازماندهی یک مجموعه حروف به صورت شبکه ایی حاصل نظم و تداوم آن حدود آنست. که در آن فضای سازماندهی شبکه ایی می تواند با وجود اختلاف در اندازه، فرم و یا عملکرد از یک رابطه مشترک برخوردار باشد. (همان)

سازماندهی و ساختار بندی مجموعه ایی: در این ترکیب بندی از تکرار مولفه هایی که دارای خصوصیات مشترک شکل یا جهت میباشند تشکیل می شود. بطوریکه می توان از نظر فرم و اندازه متفاوت باشند. الگوی سازماندهی مجموعه ایی بر مبنای یک ترکیب بندی خشک و هندسی متصور نمی شود. لذا فرم آن انعطاف پذیر بوده و به آسانی و بدون اینکه تاثیری بر هویتش گذارده شود توسعه و تغییر می یابد. (همان)

فرم و شکل مفاهیم گشتالت و فرم در ارتباط نزدیک با یکدیگرند. هر دو لغت از ریشه Forma در زبان لاتین هستند و به این ترتیب می توان آن ها را تعریف نمود. «گشتالت یا شکل عبارت است از کلیت قابل رؤیت، محاط در حدود، کم و بیش مرکب از اجزاء و دارای وحدت کلی در تظاهر یک شیئی. در زیباشناختی فرم یا صورت تظاهر حسی و واضح یک شیئی است و این بیانی است که خود را در معرض قضاوت قرار می دهد. هر دو مفهوم گویای جلوه ظاهری یک شیئی هستند اما هر دو باهم برابر نیستند. لوئی کان در این مورد می نویسد: «صورت با شکل یکی نیست. شکل به طرح مربوط است اما صورت به نمایش گذاشتن اجزاء جدائی ناپذیر می پردازد.»

شکل دادن یعنی پردازش اشکال و این بدان معنی است که فرم به گونه ای انتخاب شود که با محتوا و ایده طرح تطابق داشته باشد. بر این اساس شکل پردازشی صوری با توجه به فرم، وابسته عوامل گوناگون است. به عنوان مثال فرم یک گشودگی در یک دیوار بایستی تابع جنس و ساخت دیوار نیز باشد.

فرم یا صورت متأثر از محتوا است. این دو مفهوم (شکل و صورت) چنان در هم تنیده اند که تنها از نظر تئوریک قابل تفکیک اند، چه در عمل هر صورتی شکل پردازشی شده است و شکل هر چیز همیشه شامل صورت آن نیز هست.

مشخصات بصری فرم و عوامل انسجام و پیوستگی عناصر فضایی

شکل : صفت اصلی مشخص کننده فرم است ، شکل نتیجه ترکیب معین وجوه و یالهای یک فرم است. به خط دور یک سطح یا محیط مرئی یک حجم اطلاق می شود و وسیله اصلی تشخیص و شناخت فرم یک شی می باشد از آنجا که شکل در غالب خطی ظاهر می شود که جدا کننده فرم از زمینه اش است بنابراین درک ما از شکل یک فرم بستگی به درجه تضاد بصری بین فرم و زمینه اش دارد.

اندازه : ابعاد واقعی فرم ، طول ، عرض و عمق آن است . در حالیکه این ابعاد تناسبات فرم را معین می نمایند، مقیاس فرم توسط نسبت اندازه آن به اندازه سایر فرم های موجود در فضا تعیین می شود . که معرف تبیین حدود و مرز شناسه ها در ایجاد خوانایی و درک بهتر فضا موثر است.

رنگ : پرده رنگ شدت و ارزش رنگی وجه یک فرم است. رنگ مشخص ترین صفتی است که یک فرم را از

محیطش متمایز می نماید. همچنین رنگ در بار بصری فرم اثر دارد. رنگ یکی از مهمترین عناصر فضاییست که مخاطب در کشاکش این موضوع همیشه در اولین برخورد واکنش نشان میدهد. واژه رنگ برای بیان احساسی بکار میرود که توسط مغز درک و دریافت می شود. انسان رنگ را به عنوان کلیتی در جهان خارج تلقی میکند، اما چون رنگ نوعی احساس است هنگامی وجود دارد که فرد تجربه شخصی و احساس حضور آن را داشته باشد. (پهلوان، ۱۳۸۷: ۴۶)

بافت : مشخصات وجه یک فرم است ، بافت وجوه یک فرم ، بر قابل احساس بودن آنها و کیفیت انعکاس نورشان اثر دارد. بافت بازنمایی مواد سازنده موضوع اثر است ؛ عنصر تجسمی ای که گوناگونی ساخت و کیفیت متفاوت سطوح قابل لمس را ایفا می کند. (همان)

مکان : محل قرارگیری فرم نسبت به محیط یا محدوده بصری اش می باشد. جهت : وضعیت قرارگیری فرم است نسبت به سطح زمین ، نقاط پیرامون یا نسبت به فردی که به فرم نگاه می کند.

تعادل بصری : درجه سختی و پایداری یک فرم است ، تعادل بصری یک فرم بستگی به هندسه و جهت قرارگیری اش نسبت به سطح زمین و خط دید ما دارد.

فضای مثبت و منفی

یکی از تاثیر گذارترین مولفه در باز شناخت فضا فرم های پر و خالی یا مثبت و منفی^{۱۲} است. که از اهم موارد سازماندهی تایپوگرافی در فضاهای داخلی محسوب می شود. این موضوع در ایجاد تعادل بصری و ارتقاء کیفیات بصری جزء عناصر کلیدی فرم و سطح محسوب می شود. بطوریکه میتوان از این مولفه برای بالا بردن پیوسته گی و ارتباط عناصر مورد استفاده قرار گیرد.

تا با وجود این مهم راهکارهای جدیدی برای ادغام احجام و اشکال مختلف قرارگیری در فضا و مکانهایی با غنای تجلی بصری خلق شود.

سیستم پیوسته گی فضای مثبت ترتیبی از سیستم های حرکتی ، نقاط اتصالی و روابط فضایی به وجود می آورد که رشد و تغییر درون حس فراخودآگاه^{۱۳} نظم را ممکن می سازد.(اردلان ، بختیار ، ۱۳۹۰:۴۶)

باز ترسیم افق جدید

دامنه این فرآیند مقید اینست که برای بالا بردن سطح کیفیات بصری نیازمند ایجاد نوعی نگرش در ایجاد پیوستگی و تداوم در خلق فضا خواهیم بود . تا با پرورش ترکیبی همه جانبه به ترتیبی مسلسل^{۱۴} و مدور که خاستگاه معماری دوران اسلامی است باعث خلق فضایی پر از نیروهای کارآمد شویم. تا به نوعی در سلسله مراتب ابعاد سطوح ، الگوها در پیوستن هر سطح به سطح دیگر پیوستگی و ارتباطی موزون مهیا شود. بنابراین : باید بکشیم تا از راه شناخت عناصر نشانه شناسانه سازنده ی آن به دامنه تاثیراتش پی ببریم.(احمدی ۱۳۹۰:۲۹۸) این تعریف نیازمند استمرار در هماهنگی جزء جزء عناصر برای رسیدن به یک کلیت ساختاری است. در کتاب ساختار گرایی ژان پیاژه تعریف ساختار چنین آمده است که : ساختار بیان یک کلیت است ، یعنی اجزاء آن دارای هماهنگی و همبستگی درونی اند.(همان)

بطوریکه در زبان فارسی به علت یالهای افقی و عمودی در نوشتار می توان ارتباط عناصر را از کف به دیوار و از دیوار به سقف امتداد داد.

جدول : معیارها و شاخصه های تایپوگرافی فرم

عوامل کلیدی	معیارهای کیفی (روابط نامحسوس)	معیارهای کمی (روابط محسوس)
جذابیت و خوانایی	تداوم ، استمرار پیوستگی ، زیباشناسانه	حروف از نظر هندسه و ریاضی و اعداد دارای نظم و ترتیب می باشند
پیوسته گی و انسجام بصری	ترکیب بندی منسجم و تعادل بصری و حذف نیروهای نا کارآمد ، هماهنگی اجزاء در یک کل واحد	فاصله حروف با هم ، در چه جهتی از محور مختصات و با چه تعداد عناصر در یک کل یکپارچه
کاربرد و عملکرد	چگونگی و نحوه قرار گیری، و نحوه دسترسی ، چه حروفی با چه محتوا و کاربری ای در کجا قرار گیرد.	اشیا با چه اندازه ایی انتخاب شوند که مکان استقرار بر مبنای آنها سنجیده و ابعاد در نظر گرفته شود.
ارتباط فضایی با سطوح دیگر	ارتباط فرم حروف در سطوح مختلف به وسیله خطوط و یا عناصری ارتباطی موجبات ادراک را ایجاد میکند.	تایپو گرافی فرم با چه اندازه ایی بر سطح قرار می گیرد و با چه جهت و ترکیبی نسبت به سطوح دیگر شکل می گیرد.
ارتباط فرم با محتوا	پیوسته گی تایپو گرافی با کاربری و عملکرد در نظر گرفته شده برای آن، مثل تایپو گرافی کتابخانه برای اسقرار کتابها	---

نتیجه گیری

داخلی و ارائه مولفه ی جدید و نوپای تایپو گرافی فرم برای سازماندهی^{۱۶} هر چه بهتر کیفیات بصری در فضای داخلی برآن شدیم تا زمینه را برای گسترش این مقوله فراهم آوریم. لذا با خلاقیت در انتخاب و ترکیب حروف و با توجه به ساختار ارزشمند آن و تغییراز سطح به حجم بعد تازه یی در فضا سازماندهی کنیم. با همبستگی و وحدت میان این شناسه ها و حد و مرزهای

در تمامی رویکرد های بررسی شده ، تجربه یا به بیان پدیدار شناسانه^{۱۵} حضور در فضای داخلی از اصلی ترین رکن شناخت مکان و حس آن است. یکی از راه های استمرار و تداوم و حس پیوستگی در فضا خلق مولفه هایی ست که الگویی آشنا برای مخاطب باشند. در این مقاله با بررسی در باب شناخت کاستی های معماری

معلوم و گویا برای تعریف و شکل گیری مکان گامی موثر برمیداریم. تایپوگرافی فارسی با وجود کاستی‌ها و کمی‌هایش، فرم‌ها و اشکال زیبایی را برای چیدمان فضایی و مکانی برای استقرار اشیاء مهیا می‌سازد. بطوریکه در سطوح مختلف فضا می‌تواند کاربرد بسزایی ایفا نماید. این مولفه با ارتباطی سنجیده از کف به دیوار و از دیوار به در و پنجره و به سقف توان چنان انسجام و

پیوسته‌گی را داراست که حرکت بیننده را در فضا بدون هیچ وقفه‌ای به درک درست از فرم تا معنا و محتوا هدایت میکند. ترکیب حروف (تایپوگرافی فرم) می‌تواند آزادانه به هر زمینه‌ای به بهترین شکل ممکن بنشیند و با ارتباطی خوشایند با دیگر اجزاء و سطوح در فضا حرکت کند، تا پیوسته‌گی، استمرار و تداوم کیفیات بصری را ارتقاء دهد و مخاطب را در فضا ماندن ترغیب و مستحیل در لذت گرداند.

پی‌نوشت‌ها:

۷- ابتکار و نوآوری مولف که تایپوگرافی را از دوبعدی خارج کرده و به فرم عملکردی شکل داد.

۸- شناساننده و شناسایی شده

۹- حل شدن، ادغام شدن، یکی شدن

۱۰- ملموس

۱۱- غایت ترکیب بندی حروف است که به تصویری سازمندی شده تعبیر می‌شود. و زیر مجموعه تایپوگرافی است.

۱۲- فرم‌های پر و خالی که فضا‌های منفی و مثبت را شکل میدهند.

۱۳- محسوس و ملموس

۱۴- ترکیب بندی که اجزا پشت سرهم سازمندی میشوند و در نهایت باز به هم می‌رسند.

۱۵- به معنای آنچه دیده می‌شود

۱۶- اجزاء یک مجموعه را طبق نظم خاصی ترکیب کردن

۱- اثر گرافیکی است که حروف و کلمات، ساختار اصلی آن را تشکیل می‌دهد و در واقع کم و کیف ترکیب بندی اثر به اعتبار نوشتار و یا حروف شکل می‌گیرد.

۲- استمرار و تداوم شکل و فرم: سازماندهی درست و منطقی باعث ایجاد ارتباط بین اجزا و در نهایت استمرار در فضا ادامه می‌یابد.

۳- هدف زیباشناسی این است که چگونگی محیط اطراف و جایگاه شخص در محیط اطراف را به معنای واقعی درک کند. همان نقشی که عقل در علم اخلاق دارد، ذوق و سلیقه در علم زیبایی‌شناسی ایفا می‌کند.

۴- ضمنی و تلویحی: صریح و آشکار مورد اتفاق جمع

۵- وی فارغ التحصیل با درجه دکترا در دانشگاه ونیز به سال ۱۳۴۱، متخصص در شهرسازی فنی از دانشگاه میلان ۱۳۴۷ و تخصص در مرمت بناها و شهرهای تاریخی از دانشگاه رم ۱۳۴۸ می‌باشد. نامبرده از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ دانشیار دانشگاه تهران و از سال ۱۳۵۴ به عنوان استاد در دانشگاه مذکور بوده‌است. دکتر فلامکی سال ۸۹ چهره ماندگار در رشته معماری شد.

۶- نیروهای کیفی

منابع:

- فلامکی، محمد منصور، ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۷
- گروتز، یورک زیبایی شناسی در معماری. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۵).
- معماریان، غلامحسین سیری در مبانی نظری معماری. تهران: نشر سروش دانش (۱۳۸۴)..
- محمدی، کورش؛ شکیبا منش، امیر اصول و مبانی رنگ شناسی در معماری و شهرسازی. تهران: نشر طحان (۱۳۸۴)..
- دی . کی . چینگ ، فرانسیس ، معماری: فرم . فضا . نظم ، ترجمه زهرا قراگزلو ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۹۹۸
- اردلان ، نادر ، بخیتار ، لاله ، حس وحدت، ترجمه ونداد جلیلی ، با همکاری احسان طایفه ، تهران ، نشر موسسه علمی پژوهشی علم معمار ۱۳۹۰
- آنتونیا دس ، آنتونی سی ، بوطیقای معماری ، جلد اول راهبرد های نامحسوس، تهران نشر سروش ، ۱۳۹۰
- احمدی ، بابک ، حقیقت و زیبایی ، تهران ، نشر مرکز، ۱۳۸۰
- پهلوان ، فهیمه ، ارتباط تصویری از چشم انداز نشانه شناسی ، ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه هنر ، ۱۳۸۷
- ایتن، یوهان، طرح و فرم ، ترجمه فرهاد گشایش ، تهران ، نشر مارلیک ، ۱۳۸۳
- سجودی ، فرزانه ، نشانه شناسی کاربردی، تهران ، نشر قصه ۱۳۸۳
- لاوسون ، برایان ، طراحان چگونه می اندیشند ، ترجمه دکتر حمید ندیمی ، تهران ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۹۰
- صادقی ، مهدی ، سومین کتاب سال گرافیک دانشجویی ، تهران ، نشر رسم ۱۳۸۵
- آیت اللهی ، حبیب الله ، مبانی نظری هنر های تجسمی ، تهران ، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۷۹
- آیوازیان، سیمون. زیبایی شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری. مجله هنرهای زیبا. شماره ۱۲، ۱۳۸۱